

نشریه پرسش هر دوشنبه منتشر میشود

**پرسش چه نوع نشریه ای است؟ صفحه 1**

**کانون مباحث کمونیسم کارگری چرا شکل گرفت؟  
ضرورت تشکیل آن چیست و فرار است چه کارهایی  
را انجام دهد؟ صفحه 1**

قطعهنامه پیشنهادی به پلنوم مه ۲۰۲۰ حزب کمونیست کارگری

**ملزومات پیروزی کمونیسم کارگری**

**در تحولات سیاسی حاضر صفحه 2**

**نژاد پرستی در راس هیات حاکمه آمریکا**

صفحه 2

**بحران کرونا و پیامدهای آن**

صفحه 4



**پرسش**

**نشریه سیاسی کانون  
مباحث کمونیسم کارگری**

سر دبیر: محمدرضا پویا

nashriyeh.porsesh@gmail.com

**کانون مباحث کمونیسم کارگری چرا شکل گرفت؟ ضرورت  
تشکیل آن چیست و قرار است چه کارهایی را انجام دهد؟**

**پرسش چه نوع نشریه ای است؟**

محمد آسنگران: ما جمعی از کادرهای حزب کمونیست کارگری این کانون را شکل داده ایم که بتوانیم متد، نظرات و سیاست کمونیسم کارگری را در حزب کمونیست کارگری نمایندگی کنیم. برای پاسخ به سوال شما و زمینه های شکل گیری کانون مباحث کمونیسم کارگری باید کمی به گذشته برگردم.

ما هنگامیکه متوجه شدیم رهبری کنونی حاکم برحزب در موارد مهمی و در نقطه عطفهای سیاسی کوچک و بزرگی که پیش میآید حرفهایی را میزند که در تاریخ حزب نا آشنا و نامانوس است و خط و جهت سیاسی "جدید"ی را نمایندگی میکند، در مقابل آن ایستادیم. این سیاستها از نظر ما نه تنها خلاف سیاست و مبانی نظری کمونیسم کارگری بود بلکه حتی در دوره مارکسیسم انقلابی هم ما با این نوع سیاستها بیگانه بودیم. برای دفاع از تاریخ حزب و برای دفاع از متد و سیاستهای کمونیسم کارگری، ما بجز نقد این سیاستهای "جدید" راهی نداشتیم.

ابتدا تلاش کردیم با نقد این سیاستها در ارگانهای رهبری حزب مانع تسلط آن بشویم. اما بعد از مدتی جدل فکری و سیاسی و نظری در ارگانهای رهبری حزب مانند هیئت اجرایی و دفتر سیاسی و کمیته مرکزی و جلسه با اعضا و کادرها و... متوجه شدیم که این یک گرایش سیاسی است که قدم به قدم و بشکل قطره چکانی حرفش را میزند و سیاستش را پیش میبرد. اگر خیلی خلاصه بخواهم توضیح دهم اختلافات با خط سیاسی کنونی حاکم بر حزب در دو سطح بروز کرده است: یکی در سطح مسایل پایه ای و نظری و یکی در سطح مواضع سیاسی اتخاذ شده در برابر وقایع و تحولات سیاسی جامعه. توضیح کل اختلافات در این مصاحبه کوتاه نمی گنجد و از آنجاییکه در بسیاری از مقاطع ما حرف خودمانرا رو به بیرون اعلام کرده ایم و جامعه نسبت به بسیاری از موارد اختلافات آگاه است، من تنها چند مورد از اختلافات را تیتروار ذکر میکنم و بحثهای مفصلتر در اینمورد را به آینده محول میکنم. پرچی که تحت عنوان "نتایج امروزی و شرایط مشخص"

ادامه در صفحه 2

محمدرضا پویا: پرسش نشریه ای هفتگی از "کانون مباحث کمونیسم کارگری" است. پرسش اساسا مصاحبه میکند. تلاش میکند که سئوالهای کلیدی ای را در مقابل دست اندر کاران کانون قرار دهد. پرسش نشریه ای برای فعالین و دست اندر کاران جنبش کمونیسم کارگری است. میکوشد که خواننده مطلب نیز و خواندنی در نشریه پیدا کند. تلاش میکند تا در میدان سیاست حضور دائم و به موقع داشته باشد و همواره "تن" به سیاست بزند.

**هدف پرسش چیست؟**

محمدرضا پویا: پرسش کوشش میکند که خط کمونیستی کارگری با ویژگی ها و تاکیدات منصور حکمت را در صفوف این جنبش تقویت و تحکیم کند. به این اعتبار، نشریه ای برای تمامی کادرهای جنبش کمونیسم کارگری است. پرسش تاکید خاصی بر پیشبرد خط و پرچی دارد که با سنت کمونیسم کارگری منصور حکمت بیان شده است.

**با این حساب آیا پرسش نشریه انتقادی حتی در چهارچوب جنبش کمونیسم کارگری است؟**

محمدرضا پویا: بله! ما میکوشیم راه پیشروی، تحکیم و تامین هژمونی خط کمونیستی منصور حکمت را با نقد روشن و صریح هموار کنیم. اما تصریح میکنیم که پاسخ دهندگان نشریه پرسش، تلاش میکنند پاسخهای خود را با حفظ مقررات و موازین حزبی که در آن عضو هستند به پیش ببرند.

**آیا پرسش نشریه ای حزبی است؟ محدود به ابراز وجود فعالین "کانون مباحث کمونیسم کارگری" است؟**

محمدرضا پویا: خیر! پرسش نشریه ای حزبی نیست. متعلق به جنبش رادیکال و ماکزیالیست کمونیسم کارگری است. نشریه پرسش برای مصاحبه و سازمان دادن پرسش و پاسخ های خود، در درجه اول به فعالین کانون متکی است، اما محدود به این فعالین نیست. پرسش به این اعتبار میکوشد به سراغ فعالین و چهره های صاحب نظر کمونیسم کارگری نیز برود و نقطه نظر ایشان در زمینه مسائل گرهی این جنبش را جويا شود.

**چگونه میتوان به پرسش کمک کرد؟**

محمدرضا پویا: پرسش علاقه و افری به دریافت سئوالات گرهی دارد. گاهی طرح سئوال به اندازه خود پاسخ ها مهم و تعیین کننده است. علاوه بر این پرسش برای پیشبرد و گسترش کار خود به کمک فعالینی که در این افق شریک اند و برای آن تلاش میکنند، نیازمند است.

ادامه کانون مباحث ....

مباحث کمونیسم کارگری در حزب بلند شده است تنها سنجیتی با تاریخ و مدت و سیاست حزب و جنبش کمونیسم کارگری ندارد بلکه چتری است که در زیر آن انواع و اقسام تزه‌های جدیدی طرح شده که همانگونه که در بالا گفتیم کیلومترها با کمونیسم کارگری فاصله دارند. اما با این حال رهبری حاکم بر حزب در ادامه راهی که در پیش گرفته بود مصمم بود. محور تزه‌های تازه یکی این بود که حزب کمونیست کارگری حزبی ضد رژیمی است و در این راه هر نوع نزدیکی و آوانس دادن به جنبش راست امری پذیرفته شده بود.

واضح بود که برای یک سیاست صرف ضد رژیمی آن وقت تزه‌هایی را تدوین کنند که یک هدف حزب در این تزه‌ها این تعریف شد که: بورژوازی راست را لیبرال و لیبرالها را سوسیال دمکرات کنند. انقلاب کارگری و سوسیالیستی انقلابی همگانی تعریف شد و اپوزیسیون اپوزیسیون نشویم پرچم سیاسی روز این نوع انقلاب شد. اعلام شد "ما در مقابل رژیم نماینده مردم و در قبال مردم خود را نماینده طبقه کارگری میدانیم". در این ترم آخری معلوم شد حزب آلترناتیو سوسیالیستی و ضد سرمایه در مقابل رژیم نیست بلکه نماینده مردم است و مردم هم نود درصدشان افکار ناسیونالیستی و پرچم دوست و تمامیت ارضی خواه هستند. گارد باز این تزه‌ها "جدید" در مقابل جنبش راست و ناسیونالیسم پرو غرب ایران نتایجی داشت که اعلام کردند: جریان‌های راست را فقط باید وقتی نقد کرد که مانعی برای سرنگونی رژیم باشند. بعدن گفتند نقد به ایدئولوژی آنها مجاز است اما از نظر سیاسی نباید با نقد راست تفرقه در صف جنبش سرنگونی ایجاد کرد. از این منظر بود که در مقابل جنبش چپ دانشجویی ایستادند. و همزمان گفتند مردم پرچم سه رنگ و ناسیونالیسم ایرانی را دوست دارند. این گرایش در میان مردم امری طبیعی است و نود و چند درصد مردم اتوماتیک اینطور فکر میکنند پرچم دوست و خود را ناسیونالیست و تمامیت ارضی خواه میدانند؟! این سیاستها ویژه در یک سال اخیر آشکارا و بی محابا طرح شدند و هر نوع مخالفت با آنرا به "چپ فرقه ای و ضد امپریالیست" منتسب کردند. دفاع از مسیح علی نژاد و بیانیه چهارده امضاها از این متد و سیاست سرچشمه می گرفت. مخالفت نکردن با تحریم تجاری و اقتصادی آمریکا هم ریشه اش همینجا است.

بحث "انقلاب همگانی" پیامدهایی بدنبال داشت که مواردی از آنرا در بالا توضیح دادم ولی قبل از آن "انقلاب همگانی" زمانی امکان طرح شدن پیدا کرد که یکی از مهمترین و پایه ای ترین مباحث کمونیسم کارگری یعنی بحث "جنبشهای اجتماعی، تمایزات جنبشی" بکناری گذاشته شد که خود به سرآغازی برای نادیده گرفتن بحثهای مهمتری مانند شیوه برخورد کمونیستها به انقلابات و قیامها، شیوه برخورد به اپوزیسیون بورژوازی و ووووو، تبدیل گردید. "عرصه های مهم سیاست" در ایران که مسئله رهبری و کسب قدرت سیاسی در آنها تعیین تکلیف میشود، یا رها شدند و یا وجودشان برای مدتی انکار شد. برای مثال در سال ۹۶ اعلام شد "پاشنه آشیل رژیم مسئله زن و مذهب است نه فقر، اعلام شد در مقابل فقر روحانی و خامنه ای هم می‌آیند می‌گویند ما هم مخالف فقر هستیم لعنت بر فقر و..." (معلوم نیست اگر عرصه زنان و مذهب پاشنه آشیل رژیم هستند چرا هر دو این عرصه عملا به امان خدا رها شدند؟) بحث این نیست که مسئله مذهب و زن پاشنه آشیل رژیم نیستند بحث این است از کی خامنه ای و روحانی و بقیه سران رژیم مخالف فقر شده اند. و چرا باید از این دروازه اهمیت حکومت کارگری را زیر سوال برد که در کنفرانس استکهلم چنین شد. طولی نکشید که جنبش علیه فقر در دی ماه ۹۶ کل ایران را در بر گرفت و این سیستم فکری را زیر گرفت و ناچار شدند بگویند فقر هم مهم است.

ما بعد از جدلهای تند و روشن با این گرایش راست ناچار شدیم برای دفاع از تاریخ و مدت و خط سیاسی و مبارزاتی جنبش کمونیسم کارگری و منصور حکمت تصمیم بگیریم. برای بیان نظرات اثباتی و انتقادی خود چه از طریق این نشریه و چه از طریق میدیای اجتماعی، کانون مباحث کمونیسم کارگری را بوجود آوریم. محور تلاش ما در صف حزب کمونیست کارگری این است که نگذاریم این سیاستهای "جدید" خود را تحت عنوان مباحث کمونیسم کارگری معرفی کنند. تلاش میکنیم امروز و دیروز حزب را به هم متصل نگهداریم. سیاست جدیدی که در حزب حاکم شده است تلاش میکند رابطه حزب امروز را با آن تاریخ قطع کند. تلاش میکنم اعضا و کادرهای حزب و فعالین جنبش کارگری و کمونیستی تفاوت این سیاستها را متوجه بشوند و اجازه ندهند این خط راست، حزب را با سیاست جنبشهای دیگر آغشته کند

پایان

این قطعنامه توسط امضا کنندگان در ابتدا به کنگره حزب ارائه شد که بعلت کمبود وقت در دستور قرار نگرفت و بررسی آن به پلنوم و دفتر سیاسی حزب محول شد. این قطعنامه در پلنوم ۵۱ حزب در دستور قرار گرفت و بعد از دو نوبت موافق و مخالف کلیت آن به رای گذاشته شد، که متأسفانه رای نیاورد. ما این قطعنامه را یکی از مبنای سیاسی و جهتگیری های خود در حزب کمونیست کارگری میدانیم که در تمایز با خط رسمی و حاکم بر حزب است. تلاش میکنیم که این نگرش و سیاست به سیاست رسمی حزب تبدیل شود.

### قطعنامه پیشنهادی به پلنوم مه ۲۰۲۰ حزب کمونیست کارگری ملزومات پیروزی کمونیسم کارگری در تحولات سیاسی حاضر

۱-جامعه وارد دور جدیدی از اعتراضات خود علیه رژیم جمهوری اسلامی شده است. خیزش توده های مردم در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ نقطه عطفهایی در تحولات سیاسی ایران بودند. اکنون شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "حکومت اسلامی - سرنگون، سرنگون" به شعارهایی توده ای تبدیل شده است. حکومت اسلامی که بزور سرنیزه و کشتار و تحمیل فقر و فلاکت اقتصادی بر مردم تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی مردمی قرار گرفته است که در مقیاسی میلیونی آزادی، برابری، رفاه، حقوق مدنی و سهم خود از زندگی را طلب میکنند. در همین دوران نیز پاندمی کرونا، با کشتار چند صد هزار تن از مردم بی دفاع در اقصی نقاط جهان، چهره ضد انسانی سرمایه داری حاکم را عریان تر از همیشه در برابر بشریت معاصر قرار داده است. در طول این چهار دهه هرگز کمونیسم کارگری و مردم در چنین موقعیت مناسبی برای برچیدن کل بساط رژیم اسلامی و خلق سیاسی و اقتصادی از سرمایه در ایران قرار نداشته اند.

۲-رژیم اسلامی در پله آخر حیات خود قرار گرفته است. نه قادر به سرکوب و در هم شکستن اعتراضات مردم است و نه اصلاح طلبان حکومتی و کل جنبش ملی - اسلامی میتوانند مردم را به سازش و تمکین با رژیم بکشانند. شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تومه ماچرا" توصیف گویای این واقعیت سیاسی بود. اما این روند میتواند مراحل گوناگونی را از سر بگذارد و اشکال مختلفی بخود ببیزد. طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کنند که مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم نکبت بار اسلامی هرچه گسترده تر، سازمان یافته تر، هدفمندتر و قدرتمند تر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. کمونیسم کارگری تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرفه و انسانی در ایران است. ما مردم را در پروسه مبارزه قاطع برای سرنگونی رژیم اسلامی به اردوی سیاسی خودمان دعوت میکنیم. به اردوی کارگران، اردوی کمونیسم، اردوی آزادی و برابری و رفاه کامل و همه جانبه فرد و جامعه.

ادامه در صفحه 3

نشریه سیاسی کانون  
مباحث کمونیسم کارگری  
nashriyeh.porsesh@gmail.com

### نژاد پرستی در راس هیات حاکمه آمریکا

پرسش: اعتراضات اخیر مردم در آمریکا بر علیه نژاد پرستی ابعاد گسترده و ویژه ای در مقایسه با گذشته داشت. زمینه ها ویژگی های این اعتراض کدامها بودند؟

علی جوادی: نژادپرستی، مستقل از دامنه و ابعاد آن در تاریخ آمریکا، همواره یک گرایش سیاسی زنده در طبقه حاکمه این کشور بوده است. تاریخی دیرینه دارد، و منفعت اقتصادی روشنی در نظام طبقاتی حاکم مینای زنده بودن این گرایش در درازای این تاریخ است. نژادپرستی یکی از اشکال زمخت نابرابری در جامعه سرمایه داری آمریکا است. اما در طرف مقابل، در سوی دیگر، ما همواره شاهد مبارزه ای گسترده علیه نژاد پرستی در آمریکا بوده ایم. از جنگ داخلی آمریکا گرفته تا مبارزات دهه شصت برای کسب حقوق مدنی، لغو جداسازیهای نژادی و کسب حقوق برابر و حق رای برای سیاهان. اما علیرغم ضرباتی که نژادپرستی تاکنون خورده است، علیرغم آنکه از قوانین حاکم به ضرب مبارزه ای طولانی کنار رفته است، اما کماکان یک گرایش فعال است و هر روزه قربانی میگردد. زمخت ترین شکل عملکرد این گرایش را در عملکرد دستگاه پلیس و دستگاه قضایی آمریکا میتوان مشاهده کرد. دستگاه پلیس در آمریکا دستگاه سرکوب و در عین حال یک ماشین کشتار سیاه پوستان است. نژادپرستی امروز در راس هیات حاکمه آمریکا قرار دارد. ترامپ نماینده این توحش و بربریت طبقه حاکمه است.

اما آنچه به اعتراض علیه نژاد پرستی چنین ابعاد و دامنه ای داده است در عین حال به شرایط اجتماعی و سیاسی دوره حاضر برمیگردد. واکنشی به کشتار و رفتار ضدانسانی ای است که علیه این بخش از جامعه بطور سیستماتیک اعمال میشود. گسترده گی این اعتراضات را علیرغم شرایطی که حضور گسترده و بیروس کرونا ایجاد کرده است باید در نفرت و انزجار عمیق بشریت متمدن از این شکل خشن نابرابری در جامعه طبقاتی حاضر جستجو کرد. امروزه نسل جوان و جدیدی در آمریکا به میدان آمده است تا با نابرابری و تاریخ نژادپرستی در آمریکا تعیین تکلیف کند.

پرسش: چه شعارها و مطالباتی و کدام نیروها و جنبشهای اجتماعی در این اعتراضات دخیل اند؟

علی جوادی: گرایشات متفاوتی در این جنبش فعال اند. اما این جنبش از رهبری خاصی برخوردار نیست. از میان شعارها و مطالباتی که در این اعتراضات برجسته شد باید به دو شعار و سیاست اشاره کرد. "زندگی سیاهان اهمیت دارد" و "بدون عدالت صلحی وجود نخواهد داشت." شعار اول واقعیت دردناکی را بیان میکند. به عمق نابرابری اجتماعی در این جامعه اشاره دارد. تصور اینکه در قرن بیست و یکم در جامعه ای انسانها را به خاطر رنگ پوستشان چنین مورد تعرضی قرار میدهند، سخت و دردناک است. این شعار بیشترین همبستگی را در سطح جهانی با خود ایجاد کرده است. مردم بسیاری در اقصی نقاط جهان در اعتراض به این نابرابری ضد انسانی به میدان آمدند. اکنون این شعار به یک فریاد همگانی در سطح بین المللی تبدیل شده است. شعار دیگر بیانگر این واقعیت اجتماعی است که این جنبش و کشمکش اجتماعی تا از میان بردن زمینه های عینی و اجتماعی این نابرابری خشن ادامه خواهد داشت. در کنار این شعارهای محوری باید به تعرض به دستگاه و نیروهای پلیس در آمریکا اشاره کرد. بخشهای رادیکال این جنبش خواهان برکناری و قطع بودجه این دستگاه سرکوب شده اند. این اولین بار در تاریخ سیاسی این جامعه است که تلاش برای از میان بردن نژادپرستی به تلاش برای خلع ید از یک رکن پایه ای دستگاه سرکوب طبقه حاکمه گره خورده است.

ادامه در صفحه 4

ادامه از ملزومات.....

۳- سرنگونی رژیم اسلامی اما پایان سیر تحولات سیاسی در ایران نیست. "از هم اکنون کشمکش دو طبقه اصلی جامعه و جنبشهای اجتماعی راست و چپ، بر سر اینکه چه نظامی باید جایگزین رژیم اسلامی شود در بطن مبارزه علیه این حکومت تشدید شده و تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت." "انقلاب ایران یک انقلاب همگانی و یک جنبش "همه با هم" نخواهد بود. نیروهایی که حکومت اسلامی را به زیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگردد. از نظر حزب کمونیست کارگری جنبش برای سرنگونی حکومت اسلامی میتواند و باید حلقه ای از یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری فوری یک حکومت کارگری مبتنی بر اداره شورایی جامعه، یک جمهوری سوسیالیستی، در ایران باشد.

۴- پیروزی کارگر و آزادیخواهی مستلزم تامین یک رهبری انقلابی و کمونیستی در راس جنبش توده ای و پاسخ به ملزومات مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است. تحقق چنین امری مستلزم یک انتخاب سیاسی عظیم است. این انتخابی میان دو افق در تحولات سیاسی، دو آلترناتیو و دو راه حل متفاوت است. راه حل چپ و یا راست. این انتخابی میان میان راه حل تغییرات از بالا، کودتاگراییه و با اتکاء به قدرتهای ارتجاعی غربی و مبتنی بر تحریم خانمانسوز اقتصادی و جنگ یا انتخابی متکی بر نیروی مبارزات توده های کارگر و مردم بپاخاسته و انقلابی و از پائین است.

۵- تامین رهبری انقلابی و کمونیستی بر جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم در ایران در عین حال در گرو این است که حزب کمونیست کارگری بتواند "نه" قاطع و ریشه ای خود به کلیه مصائب موجود، "نه" به نابرابری سیاسی و طبقاتی و اجتماعی، "نه" به استبداد و استثمار، "نه" به تبعیض و نابرابری، "نه" به فقر و فلاکت، "نه" به زن ستیزی، "نه" به عقب ماندگی و جهل، "نه" به حکومت و قوانین اسلامی و "نه" به دخالت مذهب در زندگی مردم، را به "نه" توده های مردم تبدیل کند. حزب باید بعنوان سخنگویان و نمایان "نه" بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و نابرابری و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر شود. هر اندازه که این خواستن عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود.

۶- حزب در عین حال قاطعانه برای جدا کردن مردم از هر آلترناتیو و خط مشی راست و بورژوایی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری ایران تلاش میکند. شاخص پیشروی ما در برابر راست در جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه توده های مردم علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و نپذیرفتن نقطه سازشهایی است که نیروهای متعدد راست و کلا بورژوازی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند. اپوزیسیون بورژوایی میکوشد تا نقطه تعادلای جدیدی که متضمن حفظ شالوده قدرت طبقاتی اش است را بعنوان پیروزی جنبش مردم جا بزند. حزب مدام مردم را به فراتر رفتن و کنار زدن و حاشیه ای کردن از این چهارچوب ها فرا میخواند.

۷- پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در عین حال منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل، متشکل و با پرچم سوسیالیستی پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی و کمونیسم کارگری بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعینانه و قابل تحقق بنگرند.

۸- آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. "اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر و کمونیسم به سلطه سرمایه و احزاب رنگارنگ آن پایان داده و نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی، جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض، یک جامعه سوسیالیستی، را در ایران بنا کنند."

۹- حزب کمونیست کارگری تمامی رهبران و فعالین جنبش کارگری، جنبش آزادی و رهایی زن، جنبش خلاصی فرهنگی را برای پیروزی کمونیسم کارگری و تحقق آرمان دیرینه مردم، دستیابی به آزادی، برابری و رفاه همگان، در تحولات سیاسی حاضر به صفوف خود فرا میخواند.

امضا کنندگان: محمد آسنگران، محمود احمدی، علی جوادی، نسرین رضمانعلی، سیروان قادری، فرامرز قربانی، محمدرضا پویا

مطالب در گیومه از منصور حکمت است! پایان

## ادامه از نژاد پرستی.....

پرسش: اعتراضات در آمریکا انعکاس وسیعی در اپوزیسیون ایران داشت، علت مهم بودن تحولات سیاسی آمریکا در میان نیروهای اپوزیسیون ایرانی چیست؟

علی جوادی: اعتراضات علیه نژادپرستی یک رکن مبارزه علیه نظام نابرابر طبقاتی حاکم در آمریکا است. خود و قائم به ذات حائز اهمیت است. ما در این مبارزه سهیم هستیم. هر درجه پیشروی در مبارزه علیه این نابرابری در هر گوشه ای از جهان به معنای پیشروی ماست. هر درجه پیشروی برابری طلبی در جامعه بشری راه ما را برای پیشروی هموار تر میکند.

اما جایگاه این مبارزات در صفوف نیروهای راست کاملاً متفاوت است. در کنار وحشی ترین بخش هیات حاکمه آمریکا قرار گرفتند. نگران موقعیت و جایگاه ترامپ در انتخابات آتی آمریکا هستند. امیدشان به تشدید تخاصمات میان دو دولت ارتجاعی آمریکا و حکومت اسلامی است. به دنبال تکرار سناریوی خونین عراق در ایران هستند. در این ماجرا با سر به قعر لجنزار دفاع از نژادپرستی و نابرابری فرو رفتند. جایگاه سیاسی این جریانات در این کشمکش تاریخی نشاندهنده عمق ضدیت این جریانات با برابری طلبی و انسانگرایی است. همین تجربه به تنهایی حکم ردی بر تمامی ادعاهای پوچ این جریانات است. پایان

بیانیه پیشنهادی به پلنوم ۵۱ حزب کمونیست کارگری:

## بحران کرونا و پیامدهای آن

شیوع ویروس کرونا زندگی مردم جهان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است. مبتلا شدن مردم در ابعاد میلیونی و کشتار صدها هزار نفر از شهروندان جهان از یک طرف و تنگنای معیشت و فقر و بیکاری از طرف دیگر، اولین و مهمترین پیامدهای این بحران بود. تهدید این پاندمی و تأثیرات مخرب آن، بشریت را با معضل جدیدی مواجه کرده است.

تمام حکومتها از کشورهای صنعتی و پیشرفته گرفته تا حکومتهای استبدادی یکی بعد از دیگری اعلام کردند که آمادگی لازم برای مقابله با این ویروس خطرناک را ندارند. همگی به کمبود بخش مراقبتهای ویژه و کمبود کادر درمانی کافی برای مداوای بیماران اعتراف نمودند. حتی وسایل بهداشتی مانند مواد ضد عفونی و ماسک و دستکش نایاب شد. اما در کنار این بی توجهی به بهداشت و درمان و سلامت و معیشت مردم، همه دولتها اختصاص دادن بودجه های میلیاردی برای سازمان دادن و اداره نیروهای نظامیشان هر ساله از اولویت سیاست شان بوده است. همه آنها صدها پادگان و پایگاه و صنایع موشکی و بمب و اتم و زرادخانه های بی انتهای نظامی را در اختیار دارند. بودجه های میلیاردی برای تبلیغ خرافات مذهب و ملیت را در اختیار دارند.

در هنگامه "بحران" صدها میلیارد دلار به صنایع بزرگ و بانکها تزریق میکنند. اما وقتی مسئله سلامت و جان و معیشت انسانها در میان است میگویند بودجه کم دارند و امکانات ندارند. حتی با پیشروی و وقاحت اعلام کردند به دلیل کمبود درمان و امکانات پزشکی و بهداشتی ناچارند از میان بیماران کرونایی جوانترها را انتخاب و اکسیژن مسن ترها را قطع کنند. این توحش و بیرحمی را جامعه بشری دید و تجربه کرد. دولتها ابتدا خطر کرونا را جدی نگرفتند و بی اهمیت شمردند. در قدم بعدی و تحت فشار مردم، استراتژی همه آنها مهار سرعت گسترش این ویروس اعلام شد. اما همین تعلل و کوتاهی از مقابله فوری با این پاندمی منجر به از دست رفتن جان دهها هزار انسان شد. اکنون سیاست همزیستی با کرونا و مرگ تدریجی شهروندان با آهنگی آرام سیاست اعلام شده همه دولتها شده است.

دنیا در این چند ماه شاهد بود که چگونه پارلمانها و کابینه دولتها یکی بعد از دیگر تعطیل و خانه نشین شدند. بخش زیادی از تولید و تجارت و فعالیتهای اقتصادی خوابید. کلیساها و مساجد و کنیسه ها و امامزاده ها و تمام مراکز مذهبی یکی بعد از دیگری بسته شدند. عملاً نشان دادند که نه تنها خدای آنها در مقابله با کرونا کاره ای نیست، بلکه به عنوان مراکز خطر شیوع کرونا باید تعطیل شوند و بدین گونه دکان صنعت مذهب برای مدتی تخته شد. شاید این اولین باری بود که مذهب و مراکز مذهبی در تمام جهان و همزمان این چنین آبرو باخته در مقابل علم زانو زد و تسلیم شد.

اما در همین دوران ما شاهد گسترده ترین و عمیق ترین بیان همبستگی انسانی بودیم. در اغلب کشورهای این کادر درمان و پزشکان و متخصصین بودند که دلسوزانه به فکر حفظ جان مردم بودند و مردم از این رهگذر بیش از پیش ارزش و جایگاه آنها را متوجه شدند.

این رویداد بیش از همیشه نشان داد که نظام سرمایه داری حاکم با زندگی و سلامت و کرامت و نیاز انسان در تضاد است. بیش از همیشه مردم حتی به تجربه هم متوجه شدند که مناسبات تولیدی حاکم بر جهان هدف و سیاستش سود و انباشت سرمایه است. در این شرایط بحرانی که تمام جهان را دربر گرفته است یک بار دیگر نقش و جایگاه طبقه کارگر برای حفظ و اداره جامعه برجسته شد. چه آن بخشی که در مراکز درمانی با فعالیت خود سربازان خط اول جبهه جنگ با کرونا بودند، چه آن بخشی از کارگران که تولید و توزیع مواد غذایی و دارویی را برای شهروندان فراهم کردند و چه کارگران خدمات شهری مانند برق و آب و گاز و شهرداریها و... که کل جامعه را در این شرایط سخت سرپا نگاهداشتند.

در کنار برجسته شدن اهمیت کار کارگران شاغل، جایگاه کار آن بخش از طبقه کارگر که کار را تعطیل کرده بود، زمانی برجسته شد که سهام دولتها و موسسات بزرگ مالی در بازار بورس سقوط کرد. دولتها و سرمایه داران اعلام کردند که میلیاردها دلار ضرر کرده و خطر ورشکستگی بالای سرشان به پرواز در آمده است. بخش قابل توجهی از شرکتهای صنعتی و ماشین سازی و صنایع پتروشیمی و نفت و هواپیمایی و مسافرتی و هتلها و... یکی بعد از دیگری، گفتند ضرر های هنگفت آنها را در تنگنا قرار داده و بخشی هم تهدید به ورشکستگی کردند. دولتها صدها میلیارد دلار به صاحبان سرمایه کمک کردند که سرپا بمانند.

گفتند با ادامه تعطیلات مراکز تولیدی، اقتصاد با بحران عمیقی مواجه میشود و دولتها و حاکمان با ورشکستگی مواجه خواهند شد. این در حالی بود که سرمایه ها و حسابهای بانکی سرمایه داران سر جای خود بودند. نه آتش گرفته بودند نه بلایای طبیعی متضررشان کرده بود و نه "سرقتی" صورت گرفته بود و نه در اثر بلایای طبیعی تخریبی اتفاق افتاده بود. تنها عاملی که تغییر کرده بود این بود که کارگران در مراکز تولیدی و حمل و نقل و... کار را متوقف کرده و بخش قابل توجهی از مراکز تولیدی خوابیده بودند. میلیاردها "ضرری" که دولتها و طبقات حاکم از آن حرف میزنند معلوم شد همان ارزش اضافه ای است که تماماً از نیروی کار کارگر عایدشان میشود.

تجربه چند ماه اخیر یک بار دیگر نشان داد این کارگران هستند که هم منشا سود سرمایه داران و هم عامل فراهم کردن تمام نیاز مندیهای زندگی بشر هستند. همین



ادامه از بحران کرونا....

یک فاکتور و همین چند ماه تعطیلی مراکز تولیدی نشان داد این طبقه کارگر است که چرخ زندگی و چرخ تولید و توزیع کالاهای مورد نیاز جامعه را به حرکت درمی آورد. این کارگران هستند که ادامه حیات بشر را ممکن کرده اند. این کارگران هستند که آینده بشر و نیازمندیهای زندگی همین امروز شهروندان را تامین میکنند. با مشاهده این واقعیات یک بار دیگر ثابت شد که سرمایه داران با تصاحب این ارزش اضافه است که بطور انحصاری کل این جهان را در کنترل خود گرفته اند.

این واقعیت یک بار دیگر تأکیدی بر صحت و درستی نظریات مارکس است. برخلاف ایدئولوژیهای سرمایه داری، معلوم شد بازار آزاد و دموکراسی نه پایان تاریخ است و نه پاسخگوی نیاز بشر. کرونا چهره کریمه جهان امروز را عریانتر از همیشه به نمایش گذاشت. بنابر این کمونیستها حق دارند بگویند این جامعه وارونه را باید بر قاعده خود نشانند.

یکی از پیامدهای بحران کرونا این بود که کل نظام و سیستم حاکم و ایدئولوژی آن نزد اکثریت بالایی از شهروندان بی اعتبار شد و زیر سوال رفت. جامعه با تهدید ویروس کرونا بیش از پیش متوجه شد که وجود نظام سود پرست حاکم با نیاز و کرامت انسان در تضاد آشکار قرار دارد. متوجه شد که مرز و ملیت و مذهب و همه خرافات دست ساز طبقات حاکم، پوچ و مضر به حال زندگی و کرامت انسان است. معلوم شد که تمام انسانها در این کره خاکی همسر نوشتند. معلوم شد که تخریب محیط زیست نتیجه سود پرستی همین نظام حاکم است که حتی به آب و هوا و زمین هم رحم نمیکند و موجودیت بشر را با خطر نابودی مواجه کرده است.

تحولات همین چند ماه گذشته چنان تکانی به جامعه بشری داده است که کل سیستم بهداشت و درمان و آموزش و فرهنگ و اقتصاد و سیاست محتاج باز تعریف تازه ای شده است. همه موارد بالا و حتی تنظیم روابط اجتماعی و ادامه زندگی آحاد بشر در نتیجه پیامدهای بحران کرونا در حال باز تعریف شدن است. تحولاتی که در جریان است بدون شک حیرت انگیز خواهد بود. بویژه این تحولات فکری و فرهنگی و سیاسی در جهان تازه آغاز شده است.

در پس این تحولات اما یک فاکتور قطعی، و غیر قابل اجتناب است. رابطه شهروندان و حکومتها دستخوش تحولی جدی شده است و این تحول، جدالی مهم و تعیین کننده و سرنوشت ساز را به دنبال خواهد داشت. جدال مردم یعنی 99 درصدیها با نظام حاکم یا همان یک درصدیها در همه عرصه های فوق، جدی و همه جانبه خواهد بود. آنچه برای ما کمونیستهای کارگری و حزب کمونیست کارگری مهم و قابل توجه باید باشد، این است که چه نقشی در این جدال بازی میکنیم.

روشن است که طبقات حاکم سیاستشان تشدید ریاضت کشی اقتصادی و کنترل بیشتر شهروندان و به اسارت درآوردن کل نیروی کار و استعدادهای مردم و تکنولوژی پیشرفته در خدمت سود و سرمایه است. طبقه کارگر و کمونیستها و شهروندانی که خواهان زندگی بهتر و سعادت انسان هستند، ناچارند و باید در مقابل یک درصدیها قد علم کنند و دنیای دیگری بنا نهند که شایسته انسان امروز باشد.

در کشوری مانند ایران این جدال سالها است که شروع شده است. جدال آنها نه تنها به دلیل بحران کرونا و آشکار شدن بیش از پیش ضدیت نظام حاکم با نیاز انسان، بلکه به دلیل خود جمهوری اسلامی سرمایه، است که همانند کرونا چهل سال است از مردم کشتار میکند و فقر و فلاکت به آن جامعه تحمیل کرده است.

شرایط سخت معیشت و سرکوب و خونریزی بیرحمانه که نمونه هایی آنرا در آبان 98 و ساقط کردن هوایما اوکرایینی و گسترش کرونا و... دیدیم مردم را بیش از همیشه به این قناعت رسانده است که باید از شر این حکومت خلاص شوند. در عین حال در ایران جنبش چپ و کمونیستی در میدان مبارزه نقش برجسته ای از خود نشان داده است. در شهر و در روستا در کارخانه و در محله در دانشگاه و در مدارس و در یک کلام در تمام ایران و در محل کار و زیست، حضور و نقش تعیین کننده این جنبش را میبینیم. در اول ماه مه امسال و سالهای قبل با مطالبات و قطعنامه ها و بیانیه ها و گفتارهای فعالین این جنبش همگان متوجه شدند که وسعت و عمق این جنبش بسیار تعیین کننده و سرنوشت ساز است. جامعه ایران بدون پیروزی این جنبش شانسی برای بهتر زیستن ندارد.

این جنبش و احزاب و سخنگویان آن لازم است پرچم راهی از نظام حاکم و برپایی جامعه ای بدون تبعیض و بدون استثمار را به مطالبه اقشار هر چه بیشتری از جنبش سرنوشت طلبی تبدیل کنند. حزب کمونیست کارگری ایران حرکت در جهت عملی کردن این سیاست و سازمان دادن جامعه حول آنرا وظیفه خود میدانند.

پیشنهاد دهنده: محمد آسنگران

حمایت کنندگان: نسرین رضاعلی، علی جوادی، محمود احمدی، محمد رضا پویا، سیروان قادری، فرامرز قربانی

پایان

**آزادی برابری حکومت کارگری!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

**کارگران جهان متحد شوید!**

**سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

**پرسش نشریه سیاسی کانون مباحث کمونیسم کارگری**

nashrieh.porsesh@gmail.com